رسول پویان ۲۰۱۴/۰۶/۲۵

مکثی بر ماهیت شخصیت های متنوع در جامعه

در این برش تأریخی، مطالعه و تحلیل درونی و بیرونی آدم ها در بستر های بس متنوع تأریخی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، به محققان و پژوهشگران آزاد و مستقل یاری می رساند تا شخصیت ها را بهتر بشناسند. این مطالعه و کند و کاو ما را به درک و شناخت آسیب شناسی رفتاری، فهم نارسایی های روانی و شخصیتی و گزینش کادر های مورد نیاز جامعه بسیار کمک می کند. شناخت جامعهٔ مختلط و مرکب افغانستان بدون شناسائی شخصیت ها در قوالب و ساختارهای گوناگون و راه یابی به عمق ماهیت آنان، میسر نخواهد شد. آدم ها در ساختار های شهری، دهاتی، قبایلی و در قوالب، طبقات، اقشار، لایه ها و بافت های مختلف (که دارای مناسبات اقتصادی و اجتماعی، آداب و قرارداد های عرفی و سنتی متفاوت اند)، در مناطق مختلف جغرافیائی و دارای آب و هوای متفاوت، شخصیت های خاص می گیرند؛ عادات، رسم و رواجات، احساسات، عواطف، آمال و آرزوها، سلیقه ها، باورها، طرز رفتار و ارزشهای متنوع می آموزند.
جنگ ها، بحران ها، فقر، محرومیت ها، آوارگی، فشارها و غیره بالای شخصیت افراد تأثیر کرده و در عمق روان و فطرت آنان بسی نفوذ می کند؛ از آن ها شخصیت های بس متنوع مانند: آدمهای قوی، ضعیف، عقده مند، آرام، جنجالی، خشن، صبور، متعصب، آزاد، خشک اندیش، دریا نوش، با رحم، سنگدل، تلخ، شیرین، متزلزل، متعادل، غیره و غیره می سازد. این آدم ها بر طبق خصلت، تربیت، فهم، درک و ذخایر عاطفی، احساسی و علمی شان از خود رفتارهای بسیار متنوع در جامعه و در برابر اشخاص دیگر بروز می دهند.
از آدم های ضعیف، محدود، متعصب، عقده یی، متحجر و تاریک فکر (و چه بسا جاهل) هیچ توقعی نمی رود؛ زیرا آنان طبق همان خصلت باطنی و تربیت کسبی شان در برابر دیگران رفتار می کنند. آنها با تعصب و خشونت و مطابق به ذهنیت محدود و بستهٔ خود فکر می کنند که حق دارند احساسات، عواطف و اذهان همه را مثل ذهن خود محدود و منجمد سازند. دیگران را تفتیش عقاید نمایند. جلو آزادی های اشخاص را بگیرند و از پرواز مرغ خیال، تبارز رویاها و آرزوهای آدم ها جلوگیری کنند. این شخصیت ها در جامعه بسیار خطرناک اند؛ زیرا وجدان در آن ها شکل نگرفته و از دین فقط همان خشونت، خشک اندیشی و تعصب افراطی را یاد گرفته اند.
به طور مثال به تأریخ نظر اندازید؛ سران کلیسا در قرون وسطی چرا هزاران دانشمند، فیلسوف، هنرمند و طرفداران آزادی، عدالت و مساوات را کشتند، به زندان انداختند و صداهای شان را در گلو خفه کردند. مگر جنگ های صلیبی را فراموش کرده اید. آتیلا، چنگیز و هیتلر چرا جهان را به آتش و خون کشیدند. به همین تازه گی ها در هندوستان چرا به دو دختر پاک و معصوم تجاوز گروهی می شود. در پاکستان کدام نوع شخصیت ها به خود اجازه می دهند که زن مظلومی را که قصد ازدواج رسمی و قانونی با شوهر دلخواهش را داشت، در نزدیک محکمه به شکل بی رحمانه به قتل برسانند. در افغانستان طالبان دختر و پسر جوانی را که آرزویی پیوند عاشقانهٔ قلبی داشتند، در حضور مردم اعدام می کنند و عملاً برضد آزادی و حقوق حقهٔ ملیون ها زن و مرد کشور می جنگند. به چه انگیزه و چرا دو ملا امام مسجد در کشور ما به دو دختر خردسال معصوم، به دو «خواهر» و دو «مادر آینده» جاهلانه و عقده مندانه تجاوز جنسی روا می دارند. چگونه روان های بیماری می توانند انگشتان پیرمردان مظلومی را در کشور ما به سبب رأی دادن قطع کنند.
مگر این دیو وحشت و تجاوز در ذات و ماهیت این اشخاص مسکن و مأوا ندارد؟ آیا اگر عشق، محبت، مهر، دوستی، آزادی، وجدان و انسانیت جای آن را بگیرد بهتر و مفید تر نخواهد بود؟ به ذات و ماهیت خود فکر کنید. اگر به راستی تکلیف دارید هرچه زود تر، پیش از آن که چون مار و عقرب دیگران را نیش بزنید و جامعه را تباه سازید و چون مگس و پشه مزاحم زندگی مردم شوید، خود را از درون اصلاح و پاکسازی کنید. این عشق و محبت است که دل انسان ها را جلا می بخشد، جان را صیقل می دهد و تن را از دیو و هیولای درنده خویی، شرارت، خشونت و تجاوز به حریم خصوصی دل های معصوم دیگران پاک می سازد.
حیوانات درنده از این اشخاص به مراتب بی آزار تر اند؛ زیرا اگر به حیوانات آزاری نرسانید یا درندگان اگر گرسنه نباشند به انسان کاری ندارند؛ اما اینها چون مگس، پشه و زنبور مزاحم انسان های پاک، صاف و بی آزار می شوند و هی به دل های مردم در جامعهٔ انسانی نیش می زنند. اگر این اشخاص فرصت یابند به گرگ های درنده

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

و کفتار های خون خواری تبدیل می گردند و انسان ها را می درند؛ چنانکه طالبان، افراطیون رنگارنگ و متعصبین مذهبی در همه جا، درست همین کار را می کنند. در قلب تاریک و سیاه این اشخاص اصلاً نور یزدان و فروغ عشق و محبت هیچ نوع تابشی ندارد. اینان بیچارگانی هستند که نه از وجدان بهره یی دارند و نه خوبی های دین را احساس کرده اند؛ یک مشت عقده، تناقض، حسادت، کینه، چرک و فساد اند.
به طور مثال داعش را در عراق، بوکوحرام را در افریقا، سلفی ها، طالبان و القاعده را در پاکستان و طالبان را در افغانستان بنگرید که به زور پول های نفت کشورهای عرب (بخصوص عربستان سعودی) و حمایت ستراتیژیک امپریالیزم استخباراتی جهانی و منطقوی، جوامع را به آتش کشیده اند. خواستگاه اصلی افراطیت کشورهای عربی و پرورشگاه آن طی سه دهۀ اخیر خاک پاکستان بوده است. مردم شرق (خاصه باشندگان افغانستان و کشور های همسایه) در طول تأریخ قربانی این کینه های خونین و چرکین اعراب گردیده اند. کشورهای شرقی سده هاست که پایمال منافع شوم استعمار کهنه و استعمار نوین شده و هنوز از تهاجم نظامی و استخباراتی سران استعمار نوین در رنج، درد و عذاب می باشند.
تضاد و جنگ سنی و شیعه از عمق کینه های خونین عرب خاصتاً سران قریش سرچشمه گرفته است که ما اوج مظلومانه و قهر آمیز آن را در واقعۀ کربلا مشاهده کرده می توانیم که دنبالۀ آن در تضاد و اختلافات دول عربی خاصه سران عربستان سعودی و سران دولت مذهبی ایران تبارز یافته است. ظهور داعش، القاعده، بوکوحرام، سلیمی ها و طالبان را می بایست در این بستر مطالعه و تحلیل کرد. سران پاکستان و عربستان سعودی از متحدین ستراتیژیک امپریالیسم استخباراتی جهانی و منطقوی می باشند. مردم آسیایی به خصوص مردم بیگناه و محروم شرق میانه، افغانستان، ایران، هند و آسیای میانه از قربانیان این جنگهای افراطی و کینه های خونین مهندسی شدۀ مذهبی به شمار می آیند.
اگر قدرت به دست این اشخاص افراطی و کینه توز بیفتد دمار از روزگار مردم می گیرند و خون انسان ها را به شیشه می کنند. چنانکه داستان قتل های عام چنگیز و آتیلا از یادها خواهد رفت و کوره های آدم سوزی هیتلر فراموش خواهد شد که همین حالا مثال آن در افغانستان، عراق، سوریه و دیگر مناطق شرق به طور زنده وجود دارد. اینها زنجیرهای زنگ زدۀ دست و پای آزادی های طبیعی و مدنی جامعۀ انسانی می باشند و ویروس های خطر ناک در جوامع سالم و نورمال اند که باید با تمام نیرو از جامعه دور انداخته شوند.
خوب است که به طرق ممکن از جمله با سلاح عشق، محبت، احساس، عاطفه، عدالت و آزادی به مقابلۀ آنان بشتابیم و جامعه و مردم را در برابر فساد، ظلم، ستم و اذهان گندیده و متعفن ایشان واکسین کنیم. بایست با تدوین و تطبیق قوانین مدنی از آزار و شرارت آنان جلوگیری شود. زیرا جسم و جان مردم، خاصه جوانان را آلوده می سازند. اگر این تیپ آدم ها به چوکی و قدرت برسند؛ مقام و مرتبه ای پیدا کنند؛ در رأس مؤسسات خبری و رسانه های اطلاعاتی، فرهنگی و دینی باشند، به راستی برای جامعۀ انسانی فاجعه به بار می آورند.
در برابر این تیپ، شخصیت های سالم، نورمال، بااحساس، پر عاطفه، با رحم، صاحب نظر، دیگر پذیر، انتقاد پذیر، دارای وسعت فهم و درک، آزاداندیش، صادق، پاکیزه، خیرخواه، دلسوز، مردم دوست و بی آزار ایستاده اند که هرگز مانع تجلی قوۀ خیال، تبارز احساس، عاطفه، عشق، آرزو، رویاها، افکار و اندیشۀ دیگران نمی شوند؛ بلکه تلاش می کنند تا زمینه را برای پرواز پرستو های لطیف خیال، احساس، عشق، محبت، ابتکار، خلاقیت و توانمندی های نهفته و آشکار آماده سازند و قلوب را با نور عشق، محبت، دوستی، صمیمیت و همکاری های انسانی صفا بخشند. در این صف گسترده عارفان آزاداندیش، شاعران آزاده و وارسته، دانشمندان، فلاسفه، حکیمان متبحر، آزادگان، عیاران و پاکدلان بس متنوع و غیره نیکان و سترگان جا می گیرند.
اگر در جامعه نظر اندازید همواره حاسدان، عقده مندان، نادانان، متعصبان گوناگون، تاجران دین و مذهب... به خشونت، فساد، تبهکاری و آزار دیگران رو می آورند. در جریان بحران ها و جنگ ها از آنان جانیان آدمکش و جلادان خون آشامی ساخته می شود. در جامعۀ ما از این گونه مثال ها در هر گوشه و کنار فراوان است. باید به این چهره ها فرصت تبارز داده نشود؛ زیرا به حریم آزادی های دیگران با پر رویی، جهالت و خشونت تجاوز می کنند. امنیت و خلوت دل های انسان ها را از بین می برند و به حریم خصوصی مردم می تازند. آزادی های طبیعی، انسانی و مدنی را در جامعه (که حق مسلم مردم است) به نام های مختلف نابود می کنند؛ تلاش می ورزند تا بستر و فضای گشادۀ طبیعی، اجتماعی و انسانی را هرچه می توانند محدود و بسته کرده و پرندگان احساسات، عواطف، رویاها، عشق، محبت و آزادی ها را در قفس های تنگ و تاریک زندانی و در حقیقت به کلی خفه سازند.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

دیکتاتوری های ایدئولوژیک و مذهبی رنگارنگ از این گونه اند. بعد از این تحلیل و بررسی به مطالب زیر توجه کنید.
در ساختارهای متنوع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و در محیط های جغرافیایی مختلف شخصیت های متنوعی شکل گرفته و تبارز می کنند. در هر کدام از این قوالب و ساختارهای خرد و بزرگ و محیط های مختلف برنامه های مغزی و شخصیت فردی و اجتماعی افراد به طور متفاوت شکل می یابد. این برنامه های مغزی و ذخایر ذهنی در حقیقت رهنمای رفتارهای فردی شان در خلوت و در اجتماع می باشد. ظرفیت های دانش، مهارت ها، هنرها و تجارب و رشد عقلی، ذهنی، احساس، عواطف و تخیل افراد در این ساختارهای گوناگون متفاوت است. به این صورت عمق، وسعت، مؤثریت و ظرفیت شعور جمعی در جوامع و در بین ملل و کشورهای مختلف جهان تفاوت می کند. حواس پنجگانه خاصه قوه عقلانی، تخیل، تحلیل، درک، عشق، محبت، احساس و عاطفه در شخصیت های متشکلهٔ این ساختارها مثل هم نیست؛ میزان خشونت، دیگر آزاری، رفتارهای غیر نورمال، تحمل، روحیهٔ انتقاد پذیری، بردباری، وفا، صداقت، شجاعت، ترس، آزادگی، رفاقت، دلسوزی، ترحم، مهربانی و غیره متفاوت است.
همچنان این تفاوتها را می توان به نحوی از انحا در افراد هر یک از این قوالب و محیط ها نیز مشاهده کرد. به این صورت علاوه بر این که افراد در ساختارهای مختلف دارای شخصیت های متفاوت اند، هر کدام از انسان ها در واقع شناس نامهٔ مخصوص خود را دارند؛ همان طور که نشان انگشت و (دی ان ای) هرکس فرق دارد، شخصیت ها نیز متفاوت اند. برای شناخت شخصیت ها می بایست آنان را در خاص و در عام، در ساختارهای خاص و محیط های مرتبط و در پروسهٔ تأریخی رشد و پرورش مربوطه، مطالعه کرد. چه خوب است که از ماهیت و عمق احساس، عواطف، عقل و طرز اندیشیدن آنان آگاهی حاصل کنیم.
از اینجاست که شخصیت اسکندر، سقراط، چنگیز، ناپلیون، داروین، لیونارد داوینچی، کانت، نیچه، هیتلر، اینشتین، ستالین، چرچیل، روزولت، مائوتسه دون، گاندی، اتاترک، خمینی و ...غیره باهم متفاوت بوده است. هر کدام از خود رد پای متفاوتی در تأریخ بجا گذاشته اند.
در افغانستان کنونی نمی توان از اشخاصی چون: حامد کرزی، ملا عمر، برهان الدین ربانی، گلب الدین حکمتیار، صبغت الله مجددی، عبدالرسول سیاف، داکتر اشرف غنی، محقق، عبدالرشید دوستم، داکترعبدالله و غیره و غیره (که هر کدام به شکلی و از طریقی مطرح شده اند)، توقع رفتار همگون و هم آهنگ را داشت؛ زیرا هر یک دارای بستر رشد و پرورش تأریخی، اجتماعی، اعتقادی و محیطی متفاوت بوده اند و داشته ها و تجارب خاص خود را دارند؛ گذشتهٔ شان حال را و تمام سوابق و حال شان آیندهٔ شان را می نمایاند. پس برای شناخت شخصیت ها مطالعه و بررسی گذشته و حال بسی مهم می باشد.
همچنان در بین شخصیت های واقعی ملی و مردمی که در پروسهٔ تأریخی در بتن جامعه و در بین مردم رشد و پرورش یافته اند و شخصیت های مصنوعی و وارداتی (که بدون کدام سابقهٔ تأریخی، علمی، فرهنگی و مبارزاتی مشخص سمارغ وار توسط دستگاه های تبلیغاتی داخلی و خارجی به شهرت رسیده اند)، فرق بنیادی و حقیقی وجود دارد. مثل این که بین پولاد آبدیده و آهن خام تفاوت است؛ اما اگر از پولاد شمشیر و خنجر بسازید جوی خون به راه می افتد؛ در غیر آن صورت تیش و گاو آهن ساخته می شود که بیاری کار و رنج انسانی جامعه را آباد می کند.
در این دو تیپ شخصیت ها، ظرفیت درک و شناخت جامعه، درک و فهم اوضاع داخلی و بین المللی، عشق و دلسوزی به وطن و مردم، انرژی آزادگی و استقلال طلبی و توان سرسختی و مقاومت در راه اهداف درازمدت ملی و میهنی متفاوت است و بالای حال و آینده مردم و وطن سخت تأثیر می گذارد. همچنان دیدگاه باز و بسته، محلی و ملی و اعتقادات متعادل و افراطی، جهان نظری و محدودیت ها، روی حال و آینده کشور و مردم بسیار مؤثر می باشد.
رفتار سیاسی، اجتماعی و فردی اشخاص بسی متفاوت است؛ این را می توان از عملکرد و رفتار گذشته شان درک کرد. برای شناخت افراد می بایست به تأریخ زندگی و عملکرد آنها مراجعه کنیم. پیش از تکیه زدن شخصیت ها به قدرت سیاسی و تصاحب پستهای مهم، با این مطالعه و بررسی می توان عملکرد و رفتار آیندهٔ شان را تشخیص کرد. قدیمی ها می گفتند: آزموده را آزمودن خطاست؛ زیرا وقت طلاست و تلف کردن آن نابجاست.
دانش جامعه شناسی، روانشناسی و انسان شناسی ما را در شناخت افراد و شخصیت ها کمک می کند. به یاری این دانش و هنر می توان شخصیت های مطلوب را در زمان و مکان مشخص و برای اجرای امور معین برگزید. چه بسا اشخاص گم نامی وجود دارند که در آن ها نیرو، ارزش و خصایل بس نیکو و شایسته ای تمرکز یافته است؛ که

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

اگر در جای اصلی خود قرار بگیرند نقش بزرگی در جامعه ایفا کرده می توانند. ازین جاست که کشف و شناخت شخصیت های کلیدی و محوری و کادرهای ورزیده در یک جامعه و گذاشتن آنان در جای مناسب شان، بسیار مهم است.
جهت شناخت جامعهٔ پراکنده و مرکب افغانستان نیاز به مطالعه و شناخت ساختارها و قوالب مختلفه است. ضرورت به مطالعهٔ این ساختارها و قوالب در مناطق و محیط های متنوع جغرافیایی، در مناطق شهری، نیمه شهری، روستایي، کوهستانی، دره های پراکنده، قبایل، در بین طوایف و غیره می باشد. این قوالب فراخ و تنگ، خرد و بزرگ تبارزگر ساختار فرهنگی، اقتصادی و عنعنوی خاص خود اند؛ طی چند دههٔ اخیر در داخل هر یک از این قوالب در واقع افراد و شخصیت های متنوع رشد و پرورش یافته اند، که ساکنان آن ساختارها و قوالب به دلایل قومی، محلی و عنعنوی به آنان آشنایی، اطمینان و دلبستگی دارند.
برای استقرار امنیت، آرامش، اعتماد و ثبات در سطح ملی، نخست می بایست امنیت و ثبات را در ساختارها و قوالب گوناگون و به عبارت دیگر در حوزه های فرهنگی- تأریخی مختلف و زون های چندگانهٔ کشور استحکام بخشید. جهت عملی شدن این مهم به افراد کلیدی و شخصیت های مورد اعتماد مردم در سطح محلی و منطقوی ضرورت است که بتوانند امنیت، آرامش، اعتماد و ثبات را به آن کانونها و ساختارها بگردانند. از پیوند ارگانیک و واقعی این حوزه ها و ساختارهای پراکنده است که جامعه مدنی مشترک بر اساس حقوق اتباع در افغانستان فردا شکل و شیرازه خواهد گرفت. از نگاه سیاسی نظام دیموکراتیک پر گشایش و غیر متمرکز (که نوع آن در افغانستان هنوز مورد بحث می باشد) می تواند پوشش سیاسی خوب و مناسبی را برای جامعهٔ و باشندگان کشور بوجود آورد.
در افغانستان طی سه دهه جنگ و بحران ضربات کاری به ساختارهای دهقانی، قبایلی، شهری، نیمه شهری و مختلط وارد شده است. بحران هویتی، بی اعتمادی و گریز از همدیگر، مهاجرت های گسترده، بحران سپاسی، اقتصادی و اجتماعی، انارشیزم و مافیزم در جامعه شیوع یافته و عملاً بیداد می کند. در بسا موارد روابط و مناسبات سنتی و عنعنوی از هم گسسته است. این بحران و بهم پاشی اگر به شکل مؤثر و عملی تنظیم نشود بحرانهای دیگری را به دنبال خواهد داشت.
برای برگردانیدن آرامش و ثبات در جامعه، مدلهای متناقض خارجی ناموفق بوده اند؛ زیرا در ساختار مختلط و پراکندهٔ جامعهٔ افغانستان قابلیت اجرائیوی و تطابقی ضعیفی دارند؛ و یا ضرورت به وقت زیاد و کار بس طولانی می داشته باشند. در کوتاه مدت نیاز به بازسازی، احیای مجدد و تنظیم همین ساختارهای پارینهٔ بس متنوع در شکل و محتوای جدید و قابل تغییر و تحول می باشد؛ از این طریق است که نوسازی ساختارهای اجتماعی و بافتهای متنوع فرهنگی موفقانه به پیش رفته می تواند و پروسهٔ درک و جذب پدیده های مدرن و پیشرفته را بسی آسان می سازد.
پروسهٔ رشد، انکشاف، خودکفایی و استقلال همه جانبهٔ افغانستان نیاز به زمان طولانی و کار خستگی ناپذیر آگاهانهٔ عملی و فکری دارد. در این بستر طویل است که جامعهٔ مشترک مدنی آزاد و پیشرفته بر مبنای حقوق کامل اتباع و تعادل حقوق مساویانهٔ اقوام، بر مبنای فرهنگ و مدنیت تأریخی، هویت ملی و علم و تکنولوژی پیشرفته و عصری شکل و شیرازه می گیرد و عملیهٔ کشف و شناخت، تربیه و پرورش کادرهای کلیدی و نیروهای فعال انسانی و شخصیت های سالم و نورمال در جامعه روز بروز رشد و تکامل پیدا می کند. شخصیت های آگاه، صادق، پاک، سالم، متخصص، باتجربه، آزاده، دارای وسعت نظر و آزاداندیش، دانشمند، رحم دل و دلسوز به مردم و میهن و خالی از کینه و تعصبات مذهبی، قومی، نژادی و انتقام جویی می توانند وطن و مردم را از بحران عمومی، ناامنی، وحشت، ارعاب، ابهام، یأس و ناامیدی جاری، رکود اقتصادی، بیکاری کشنده و از چنگال مافیای قدرت، مافیای اقتصادی و مواد مخدر و انارشیزم ویرانگر نجات دهند.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ